

آستانه درگیری: مانور خطرناک روسیه در اوکراین

بحران میان روسیه و غرب بر سر اوکراین در حال افزایش است. در حالی که روسیه خواستار ارائه تضمین غرب مبنی بر عدم پیوستن اوکراین به ناتو است، کشورهای غربی نسبت به عواقب ناگوار آغاز جنگ علیه اوکراین به روسیه هشدار می‌دهند. ممکن است توازن قدرت روسیه و غرب، وضعیت را در آستانه فروپاشی نگه دارد و اوکراین را به گونه ای بی ثبات کند که رهبران آن را نتوانند اوضاع را کنترل کنند.



پوتین برای گرفتن امتیاز در اوکراین دست به اسلحه می‌برد. (رویترز)

روسیه در ماه نوامبر ۲۰۲۱ نیروهای نظامی خود را در مرزهای اوکراین مستقر کرد. با افزایش تعداد نیرو، سطح نگرانی غرب در مورد احتمال حمله روسیه به اوکراین افزایش یافت. اما این اولین تجمع نظامی روسیه در مرزهای همسایه غربی‌اش و همچنین آغاز بحران اوکراین نبود. موضوع جدید این است که روسیه می‌گوید قصد تهاجم ندارد و از غرب ضمانت‌های امنیتی مشخصی از جمله، تعهد برای عدم عضویت اوکراین در ناتو می‌خواهد.

طی دو ماه گذشته، ایالات متحده و اروپا، چه از طریق تماس مستقیم و چه از طریق تهدید به تحریم‌های شدید علیه روسیه در صورت حمله به اوکراین، تلاش کرده‌اند تا بحران را مهار کنند. با این حال، به نظر می‌رسد این رایزنی‌ها به جای کاهش و تنش زدایی، منجر به پیچیده‌تر شدن بحران شده است.

اروپا که هنوز از فشارهای اپیدمی کووید ۱۹ بیرون نیامده و این بیماری هزینه‌های گزافی بر اقتصاد آن تحمیل کرده است، با نگرانی حمله احتمالی روسیه نیز مواجه است. درست است که تنش در مرز روسیه و اوکراین را نه

در مفاهیم و نه در زمینه ها و نه در ارتباط آن با اروپای غربی، نمی توان مشابه بحران برلین در دهه ۱۹۶۰ تلقی کرد، اما این یک بحران بی سابقه از سال ۲۰۱۸ است. جنگ سرد فعلی اگر به یک جنگ تمام عیار تبدیل شود، هیچ کس نمی تواند عواقب آن برای اتحادیه اروپا، کشورهای شرقی ناتو مانند ترکیه و به طور کلی توازن قوا در قاره اروپا را پیش بینی کند.

ریشه های این بحران کجاست؟ اگر کشورهای غربی تعهدات امنیتی مورد نیاز پوتین را ارائه نکنند، آیا واقعاً او به اوکراین حمله خواهد کرد؟ اقدامات مسلحانه پوتین چه حمله کند یا نه، به کجا ختم می شود؟

ژئوپلیتیک اوکراین

اوکراین در تاریخ خود - جز برای مدت کوتاهی - یک کشور مستقل نبوده و همواره اسیر فراز و نشیب امپراتوری های لیتوانی، لهستان، اتریش - مجارستان و روسیه بوده است. اوکراین جایگاه ویژه ای در حافظه تاریخی روسیه دارد. اوکراین سرزمین اولیه روس ها بوده است. افسانه ها می گویند: در سال ۹۹۸، در بندر سواستوپل اوکراین شاهزاده ولادیمیر با تأسیس اولین کلیسای ارتدکس در کشور روسیه، به مسیحیت گروید. حداقل از قرن نوزدهم، روشنفکران روسی این ایده را ترویج می کنند که یک ملت واحد روسی - اوکراینی وجود دارد و هیچ تفاوت اساسی قومی - فرهنگی بین این دو ملت وجود ندارد.

با این حال، موقعیت اوکراین در ادراک ژئوپلیتیکی روسیه بسیار فراتر از موقعیت فرهنگی آن است. اوکراین کمر بند امنیتی میان روسیه و قدرت های اروپای غربی است و روسیه از طریق دشت وسیع آن، تاکنون دو بار (حمله ناپلئون در اوایل قرن ۱۹ و حمله نازی ها در دهه ۱۹۴۰) مورد تهاجم قرار گرفته است. با این که روسیه پس از فروپاشی شوروی با نگرانی زیادی به متغیرهای خارجی نگاه می کند، موقعیت اوکراین به هیچ وجه با کشورهای قفقاز و آسیای مرکزی قابل مقایسه نیست. شکی نیست که مسکو حفظ نفوذ مؤثر در قفقاز و آسیای مرکزی را ضروری می داند و روسیه انتظار ندارد با تهدید وجودی در جنوب روبرو شود، اما اوکراین موضوع کاملاً متفاوتی است.

اگر اوکراین به ناتو بپیوندد، موشک های این ائتلاف بیش از ۲۰۰ کیلومتر با سن پترزبورگ فاصله ندارد. علاوه بر این، کنترل روسیه تزاری بر کریمه در سال ۱۷۷۳ مهمترین و بزرگترین گامی بود که این کشور در راه رسیدن به آب های گرم برداشت. از آن زمان مشکلی به وجود نیامد تا این که خروشچف (اوکراینی الاصل)، دبیر حزب کمونیست اتحاد جماهیر شوروی، کریمه را به دلیلی که هنوز مشخص نیست به جمهوری اوکراین اعطا کرد. با این کار، اوکراین به شریک اصلی روسیه در سواحل دریای سیاه تبدیل شد. پس از فروپاشی اتحاد جماهیر

شوروی و با استقلال اوکراین، این نوار ساحلی با بنادر مهمی که پایگاه اصلی نیروی دریایی شوروی در دریای سیاه بود به اوکراین تعلق گرفت. به عبارت دیگر، اگر اوکراین امن نباشد، دولت روسیه هرگز نمی‌تواند احساس امنیت کند.

پیرامون روسیه

اواخر سال ۲۰۰۳، وقتی مشخص شد که ایالات متحده در عراق در حال غرق شدن است، یک انقلاب مردمی در گرجستان به وقوع پیوست و حکومت ادوارد شواردنازه -که به روسیه نزدیک بود- را سرنگون کرد. مسکو، غرب و به ویژه امریکا را متهم کرد که پشت انقلاب گرجستان و در تلاش برای محاصره روسیه است. اما این فقط گرجستان نبود. در سال ۲۰۰۴، انقلاب دیگری در اوکراین رخ داد و رژیم ویکتور یانوکوویچ، که او نیز طرفدار روسیه بود، سرنگون شد. بار دیگر، مسکو انگشت اتهام را به سوی ایالات متحده و سازمان های مردم نهاد تحت حمایت واشنگتن نشانه گرفت.

طی بیست سال پس از فروپاشی شوروی، ناتو به تمام کشورهای پیمان ورشو و شوروی سابق در اروپا، از جمله رومانی، بلغارستان، لهستان و سه کشور بالتیک گسترش یافت. دیگر فاصله ای میان روسیه و کشورهای اروپایی ناتو به جز اوکراین و بلاروس وجود ندارد.

پوتین از زمان تصدی پست ریاست جمهوری در سال ۲۰۰۰، تلاش کرد با بازسازی ناوگان ارتش، از ضعیف تر شدن توانایی های نظامی روسیه جلوگیری کند. پوتین در سال ۲۰۰۸، که نخست وزیر بود، یک عملیات نظامی برق آسا علیه گرجستان را با هدف حفظ امنیت استان های مورد مناقشه در نوار مرزی بین گرجستان و روسیه رهبری کرد. این عملیات نظامی تقریباً منجر به نابودی کل ارتش گرجستان شد. اما هدف واقعی پوتین در این جنگ، ارسال پیامی به غرب بود که روسیه در حال بازگشت به صحنه بین المللی است و هیچ تهدیدی خارجی از جانب کشورهای نزدیک خود را تحمل نخواهد کرد.

در اوکراین، مخالفان پس از انقلاب ۲۰۰۴ روند مدیریت کشور را بهبود ندادند. این امر به مسکو کمک کرد تا روابط با همسایه خود را که از اهمیت ژئواستراتژیک بالایی برخوردار است، بازسازی کند و یانوکوویچ در سال ۲۰۱۰ به ریاست جمهوری این کشور بازگردد. اما برکناری یانوکوویچ در سال ۲۰۱۳ که از شروط تعیین شده توسط اروپا برای امضای توافقنامه همکاری بین اوکراین و اتحادیه اروپا بود، منجر به بروز موج جدید شورش مردمی در اوکراین و فرار یانوکوویچ در فوریه ۲۰۱۴ شد. این بار به نظر می رسد که روسیه در آینده قابل پیش بینی

نمی‌تواند اوکراین را احیا کند و باید برای کاهش حجم خسارات تلاش کند. این همان چیزی است که پوتین برای رسیدن به آن در سریع‌ترین زمان ممکن تلاش کرده بود.

مشکل اوکراین و تعدادی از جمهوری‌های شوروی سابق این است که جمعیت آنها همگن نیست. ۱۸ درصد جمعیت اوکراینی‌ها از روس‌تبار هستند. در حالی که بخش‌های غربی، مهد ملی‌گرایی هستند، روس‌تبارهای اوکراینی در کریمه و هشت استان شرقی اکثریت را تشکیل می‌دهند. این امر به پوتین کمک کرد تا با از دست دادن اوکراین در سال ۲۰۱۴ مقابله کند. نیروهای روسیه تنها چند ماه پس از فروپاشی رژیم یانوکوویچ، کنترل کریمه را به دست گرفتند. همه پرس‌مردمی در مورد الحاق شبه جزیره به فدراسیون روسیه اعلام شد. در همان زمان، روسیه تلاش کرد روس‌های ارتش اوکراین، در منطقه دونباس در شرق اوکراین، از کیف جدا شوند. پس از آغاز جنگ در منطقه دونباس، درگیری بین کیف و مخالفان روسیه منجر به کشته شدن حداقل ۱۳۰۰۰ نفر و ویرانی گسترده در شرق اوکراین شد.

همان‌طور که دولت بوش نتوانست کار زیادی برای مقابله با روسیه در گرجستان انجام دهد، دولت اوباما نیز نتوانست در برابر اشغال «کریمه» به جز امتناع از به رسمیت شناختن الحاق شبه جزیره به فدراسیون روسیه و اعمال تحریم‌های اقتصادی، کاری علیه روسیه انجام دهد. اتحادیه اروپا و کشورهای عضو ناتو، از جمله ترکیه نیز، از به رسمیت شناختن الحاق شبه جزیره خودداری کردند، اگرچه آن‌ها در سطح تحریم‌هایی که بر مسکو اعمال کردند، متفاوت بودند.

هنگامی که شوروی فروپاشید، گفتمان مسلط در کشورهای غربی، تلاش برای آشتی تاریخی، پایان دادن به انزوا و پذیرش روسیه زیر چتر غرب بود. اما وعده‌های آشتی هرگز محقق نشد و از آنجایی که روسیه از جنگ سرد خارج شد، به او اجازه دادند تا دومین زرادخانه بزرگ هسته‌ای جهان را حفظ کند. امریکا در طول زمامداری طولانی کلینتون و بوش پسر، تلاش کرد تا مسکو را به عنوان یک تهدید بالقوه بین‌المللی منزوی کند.

برای مقابله با اقدامات روسیه در گرجستان، اوکراین و دریای سیاه، کمک‌های غرب به گرجستان و اوکراین سرازیر شد و قدرت‌های غربی، هر دو کشور را تشویق کردند تا روابط خود با غرب را تقویت کنند. امریکا علی‌رغم محدودیت‌های زمانی اعلام شده، حضور خود در دریای سیاه را تقویت کرد. از پایان دوره بوش و در زمان دولت اوباما، ایالات متحده برای استقرار یک سیستم ضد موشکی در کشورهای اروپای شرقی عضو ناتو و ایجاد مراکز راداری پیشرفته در تعدادی از کشورها از جمله در ترکیه تلاش کرده است.

اپیزود جدید بحران

روس‌ها می‌گویند: امریکا، از طریق جیمز بیکر، وزیر امور خارجه بوش پدر، به روسیه قول قاطع داد که ناتو به اروپای شرقی و اتحاد جماهیر شوروی سابق گسترش نخواهد یافت و این وعده، اصلی‌ترین تضمینی بود که باعث شد دولت گورباچف مخالفت خود با اتحاد آلمان را پس بگیرد. آمریکایی‌ها چنین چیزی این را انکار نمی‌کنند. اما می‌گویند آنچه بیکر گفت، یک سیاست الزام آور برای دولت‌های بعدی نبود.

روس‌ها از مجموع اقدامات غرب از دهه نود قرن بیستم استنباط می‌کنند که غرب نه تنها به وعده‌های خود برای کمک به نوسازی صنعت روسیه عمل نکرد، بلکه خطر، از گسترش ناتو فراتر رفته و توازن قوا در عرصه اروپا را برهم زده و امریکا تلاش می‌کند روسیه را در محاصره قرار دهد. تضعیف نفوذ روسیه در دریای سیاه و بالکان و تداوم تلاش‌ها برای گسترش ناتو در کشورهای آسیای مرکزی و قفقاز، این امر را تأیید می‌کند. اکتبر سال گذشته، زمانی که اوکراین از پهپاد «بیرق دار» (ساخت ترکیه) برای بمباران مواضع توپخانه‌ای مخالفان در منطقه دونباس استفاده کرد، پوتین فرصت را برای برداشتن گام دیگری جهت حفظ امنیت روسیه در مرزهای پیرامونی مناسب دید. مسکو اعلام کرد که بمباران مواضع مخالفان اوکراینی، نقض آشکار توافق آتش‌بس مینسک در دونباس و نشان دهنده تشدید درگیری است. کی‌یف با دفاع از موضع اعلام کرد اقدامش تهاجمی نبوده، بلکه صرفاً به مواضع توپخانه‌ای که سربازانش را هدف قرار می‌داد و خساراتی را به آنها وارد می‌کرد، پاسخ داد. در حقیقت در عرصه اروپا پس از ایجاد بحران جدید، تبادل آتش میان کی‌یف و مخالفان دونباس، به امری ثانویه تبدیل شده است.

روسیه طی چند هفته اخیر، شروع به گردآوری دهها هزار سرباز در سه محور مرزی با اوکراین کرد. در ژانویه ۲۰۲۲، نیروی نظامی روسیه با پشتیبانی جدیدترین هواپیمای جنگی به بهانه برگزاری رزمایش مشترک به بلاروس - که از غرب هم مرز با اوکراین است - منتقل شدند. با گذشت نزدیک به سه ماه، نیروهای روسی به مرز اوکراین نفوذ نکردند و حتی یک گلوله هم به سمت ارتش اوکراین شلیک نکردند، اما پایتخت‌های غربی اصرار دارند که افزایش حضور نظامی روسیه تنها مقدمه‌ای برای یک حمله محدود یا تهاجم گسترده و تلاش برای تغییر رژیم اوکراین با توسل به قدرت نظامی است. بنابراین، برای مهار تهدید روسیه، ایالات متحده و اکثر متحدان غربی‌اش به سرعت یک سری اقدامات را انجام دادند. رئیس‌جمهور آمریکا در اوایل دسامبر ۲۰۲۱ با همتای روس خود صحبت کرد و وزرای خارجه دو کشور دو بار در ۲ دسامبر ۲۰۲۱ و ۱۰ ژانویه ۲۰۲۲ دیدار کردند. آنچه از این اقدامات برمی‌آید نشان می‌دهد که آمریکایی‌ها به روس‌ها اطلاع داده‌اند که حمله به اوکراین با تحریم‌های مستقیم

و شدید اقتصادی علیه روسیه مواجه خواهد شد و آمریکا در این زمینه با متحدان اروپایی خود توافق کامل دارد. علاوه بر این، ایالات متحده و سایر قدرت‌های اروپایی، به ویژه بریتانیا، به اوکراین سلاح‌های دفاعی ویژه ارائه کردند. استقرار چند هزار سرباز ناتو در نزدیکی مرزهای اوکراین و بلاروس از اقدامات دیگر آن‌ها بود.

لاوروف، وزیر خارجه روسیه، پس از دومین دیدار با همتای آمریکایی خود، اعلام کرد که کشورش دیگر به وعده‌های غرب اعتماد ندارد و از دولت بایدن می‌خواهد به خواسته‌های امنیتی روسیه پاسخ بدهد. پاسخ قبلاً در ۲۶ ژانویه به طرف روسی تحویل داده شده بود. طی چند روز پس از دریافت پاسخ آمریکا، روس‌ها بدون اینکه صراحتاً توقف روند مذاکرات را اعلام کنند، ناامیدی خود را از موضع آمریکا پنهان نکردند. اما، مقامات دولت بایدن تأکید کردند که پاسخ به خواسته‌های روسیه شامل تعهدی نمی‌شود که ناتو از الحاق اوکراین در آینده خودداری کند. موضعی که توسط دبیرکل ناتو تکرار شد. در ژانویه ۲۰۲۲، در حالی که توجه به جلسه شورای امنیت سازمان ملل متحد که برای بحث در مورد بحران اوکراین، معطوف شد، منابع اطلاعاتی غربی تأیید کردند که روسیه تجهیزات و نیروها را به مراکز نظامی اطراف اوکراین فرستاده است. به عبارت دیگر، روسیه علیرغم اینکه توسط نماینده خود در شورای امنیت اطمینان داد که قصد حمله به اوکراین را ندارد، همچنان به گسترش تجهیزات نظامی برای تهاجم نظامی ادامه می‌دهد.

شرط بندی خطرناک

به نظر پوتین، بهترین راه برای پایان بحران اوکراین، استقرار نیروی نظامی است تا واشنگتن و متحدان اروپایی‌اش را متقاعد کند که روسیه جدی است و قادر به حمله به اوکراین است و در نتیجه آمریکا مجبور شود خواسته‌های روسیه، هرچند حداقلی را برآورده سازد. به عبارت دیگر، مسکو که خواستار حفظ بی‌طرفی اوکراین و عدم پیوستن آن به ناتو و خروج بلغارستان و رومانی از آن است، در این مرحله تنها می‌تواند توافق بر سر وضعیت اوکراین را بپذیرد. اما شیوه برخورد آمریکا با این بحران نشان می‌دهد که دولت بایدن در رابطه با روابط آتی اوکراین با ناتو نمی‌خواهد به مسکو تعهدی بدهد. پوتین نیز ظاهراً معتقد است این فرصتی است که نمی‌توان بدون دستیابی به اهداف امنیتی‌اش در اوکراین عقب نشینی کند. برخی تحلیلگران غربی معتقدند: دیگر هیچ راه فراری از جنگ وجود ندارد.

تعدادی از ناظران بر این باورند که نه ایالات متحده، نه اروپا یا ترکیه، نمی‌خواهند پوتین به اوکراین حمله کند. اگر پوتین جرأت این اقدام را داشته باشد، نه تنها با مقاومت شدید اوکراینی‌ها روبرو خواهد شد، بلکه تحریم‌های

بی‌سابقه ای علیه شخص او و دولت روسیه اعمال خواهد شد و روسیه را چندین دهه به عقب خواهد برد. البته احتمال دیگر این است که روسیه بدون تهاجم و با هدف ایجاد فضای بی‌ثباتی، ضربه مهلکی به توان نظامی اوکراین وارد کند.

نگران‌کننده‌ترین نکته برای مسکو این است که در صورت حمله یا احساس حمله، اوکراین، برای درخواست عضویت در ناتو عجله خواهد کرد و این ائتلاف در نهایت با الحاق آن موافقت خواهد کرد. گزینه سوم و ایمن‌ترین گزینه برای روسیه، در آینده قابل پیش‌بینی، اجتناب از تهاجم یا تجاوز به اوکراین و در عین حال حفظ فضای تنش اطراف آن برای مدت طولانی است. مسکو با اتخاذ سیاست صبر و شکیبایی امیدوار است که فشار بر اوکراین منجر به تغییر دولت در کیف به نفع روسیه شود. اما این گزینه که نتایج آن تضمینی نیست و بسیار پرهزینه است، با واکنش غرب مواجه خواهد شد.

در نهایت، بحران هر مسیری را که در هفته‌ها و ماه‌های آینده طی کند، تصور عقب‌نشینی پوتین بدون کسب امتیاز از غرب، دشوار است. در تاریخ پرفراز و نشیب روسیه، رابطه نزدیکی میان حاکمیت و فشار اقتصادی‌ای که مردم برای بقای حکومت می‌توانند متحمل شوند وجود نداشته است. شکی نیست که تحریم‌های غرب علیه روسیه منجر به توقف عرضه انرژی توسط روسیه به اروپا خواهد شد و این امر، اقتصاد اروپا و اقتصاد جهانی را تحت تأثیر قرار خواهد داد.

منبع: مرکز پژوهش‌های الجزیره، ۲۲ فوریه ۲۰۲۲

<https://studies.aljazeera.net/ar/article/5270>

ترجمه: حمیدرضا اکبری